



همایش ملی قرآن کریم  
و زبان و ادب عربی



دانشگاه کردستان

تاریخ: ۹۰/۷/۱۷

شماره: ۱۶ / الف

پست: \_\_\_\_\_

## به نام خدا

پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر علی نوروزی

با سلام و احترام

ضمن تشکر از عنایتی که به همایش ملی «قرآن کریم و زبان و ادب عربی» نشان داده اید، به استحضار می‌رساند که مقاله شما با عنوان «بَحْثُ بَرَامُونِ اَعْرَابِ «صَالِحاً» دَر آيَةِ شَرِيْفَةِ «و اَعْمَلُوا صَالِحاً» (سبأ/۱۱)» پس از اظهار نظر داوران علمی در همایش پذیرفته شده است، بدین وسیله از جنابعالی دعوت می‌شود تا با حضور ارزشمند خود در این همایش علمی بر عیای آن بیفزایید.

با احترام و آرزوی توفیق الهی

حسن سرباز

دبیر علمی همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی

دبیر خانه همایش ملی  
قرآن کریم و زبان و ادب عربی  
دانشگاه کردستان (آبان ۱۳۹۰)

زمان برگزاری همایش: روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه ۵ و ۴ آبان ۱۳۹۰

مکان: سندج، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تالار فردوسی

لطفا جهت برنامه ریزی ناهار و شام و اسکان حضور خود را اعلام فرمایید.

سندج: بلوار پاسداران/ دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دبیرخانه همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی

وب سایت همایش: [www.ncqal.ir](http://www.ncqal.ir)

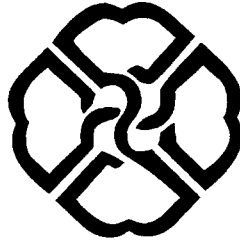
تلفن: ۰۸۷۱ - ۶۶۶۴۶۰۰ داخلی ۲۲۲۵

مجموعہ مقالات: ہمیشہ ملی قرآن کریم و زبان و ادب کے



دانش گاہ کراچی

آبان ماہ ۱۳۹۰



دانشگاه کردستان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات عربی

مجموعه مقالات فارسی  
"همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی دانشگاه کردستان"

چهارم و پنجم آبان ماه ۱۳۹۰

مجموعه مقالات  
همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی

تهیه و تنظیم: دکتر حسن سرباز/دکتر هادی رضوان

ناشر: دبیرخانه همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی

ویراستاری و صفحه‌آرایی: دکتر عثمان یوسفی

طراح جلد: کریمی

چاپ اول: اسفند ۱۳۹۰

سندج، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان

و ادبیات عربی

برگزارکنندگان همایش:

دانشگاه کردستان

دانشگاه پیام نور استان کردستان

## فهرست مطالب

- پیشگفتار..... ۲
- تأمل در راز و رمزهای تعبيرات قرآنی / سخنرانی دکتر محمد فاضلی..... ۱۱
- سخنرانی دکتر محمد علی آذرشب..... ۲۵
- اعجاز بیانی قرآن کریم با تکیه بر مطابقت لفظ و معنی در سوره‌ی علق..... ۳۷
- اقتباس از قرآن در دیوان جواهری..... ۵۷
- اقتباس‌های قرآنی در شعر ابراهیم طوقان، شاعر معاصر فلسطینی..... ۷۷
- بازآفرینی شخصیت‌های قرآنی در شعر صلاح عبدالصبور..... ۹۵
- بازتاب سبک و شیوه‌های بیانی قرآن کریم..... ۱۲۵
- بازتاب شخصیت‌های قرآنی در شعر ابن حلدّاد اندلسی..... ۱۳۷
- بازتاب قرآن کریم در شعر دینی وائلی..... ۱۴۷
- بازتاب مضامین اجتماعی قرآن کریم در شعر معاصر عرب..... ۱۶۹
- بحثی درباره‌ی اعراب «صالحاً» در آیه‌ی شریفه‌ی..... ۱۸۵
- بررسی تناص قرآنی در دیوان مصطفی صادق الرّافعی..... ۱۹۱
- بررسی تناص قرآنی در قصیده نهج البرده احمد شوقی..... ۲۰۷
- بررسی صرفی و معنایی واژه‌ی العالمین در قرآن..... ۲۲۱
- بررسی صنعت طباق در پرتو آیاتی از قرآن کریم..... ۲۳۷
- بررسی عناصر داستان در قصه‌ی حضرت موسی (ع) در قرآن کریم..... ۲۴۷
- بررسی مبانی نظری سبک‌شناسی (الأسلوبیة)..... ۲۶۵
- بررسی و تصحیح شواهد قرآنی مغلوط..... ۲۸۷
- بررسی وجوه بلاغی «ایجاز و تکرار» در سوره‌ی مبارکه‌ی «الرّحمن»..... ۲۹۹

۶ ..... همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی

- ۳۲۱ ..... بررسی وجوه بلاغی و ادبی آیات مرتبط با جنّه در قرآن کریم
- ۳۴۳ ..... بلاغت تکرار در قرآن کریم
- ۳۵۹ ..... بینامتنی دیوان امل دنقل با قرآن کریم
- ۳۷۵ ..... بینامتنی شعر عائشه تیمور با قرآن کریم
- ۳۸۹ ..... بینامتنی قرآن در شعر پایداری عراق؛
- ۴۰۳ ..... بینامتنی قرآن کریم در دیوان ابن فارض مصری
- ۴۳۱ ..... بینامتنی قرآنی در رمان "طیور الحذر" ابراهیم نصرالله
- ۴۵۹ ..... بینامتنیت قرآنی در «کتاب التّوهم» حارث محاسبی
- ۴۸۱ ..... تأثیر اسلوب سجع قرآن بر شعر مثنوی امین الريحانی
- ۴۹۳ ..... تأثیر قرآن بر اشعار سیدمرتضی رضی
- ۵۱۳ ..... تأثیر قرآن بر پیدایش و تحول نقد ادبی
- ۵۲۹ ..... تأثیر قرآن کریم بر شعر "صفی الدین حلّی"
- ۵۵۹ ..... تأثیر قرآن کریم بر شعر معاصر الجزایر
- ۵۷۷ ..... تأثیر قرآن کریم بر مضامین شعر عربی
- ۵۹۷ ..... تجلّی آیات قرآنی در اشعار توحیدی امیه بن ابی الصلت
- ۶۱۵ ..... تجلّی قرآن در مقامات حریری
- ۶۳۳ ..... تجلّی نور قرآن در اشعار مثنوی امین الريحانی
- ۶۴۷ ..... ترجمه‌ی جملات شرطی در بازتابی از آیات قرآن کریم
- ۶۶۱ ..... تقدیم و تأخیر جارّ و مجرور در قرآن کریم
- ۶۹۳ ..... تناصّ قرآنی در مقامات حریری
- ۷۰۹ ..... جلوه‌های کنایه از منظر جاودانه‌ترین اعجاز الهی "قرآن کریم"
- ۷۱۹ ..... چندمعنایی در جزء سی‌ام قرآن کریم
- ۷۳۳ ..... روابط بینامتنی قرآن و حدیث با زهدیات "أبوسحاق إلییری"

فهرست مطالب ..... ۷

- زیبایی‌شناسی حذف در قرآن کریم ..... ۷۴۵
- سبک‌شناسی قرآنی با تکیه بر سوره مبارکه ی قیامت ..... ۷۶۷
- سمیولوژی (نشانه‌شناسی) رنگ‌ها در قرآن ..... ۷۸۱
- عناصر قصه در سوره مبارکه یوسف (ع) ..... ۷۹۹
- کارکرد اسطوره‌ای-اجتماعی شخصیت‌های قرآنی در شعر امل دنقل ..... ۸۱۵
- معاد امری قطعی و مسلم ..... ۸۳۳
- معناشناسی اسلوب کنایه در جزء سی‌ام قرآن کریم ..... ۸۴۵
- مقایسه‌ی کارکرد داستان آدم (ع) در شعر معاصر عربی ..... ۸۶۳
- نشانه‌شناسی واژه‌ی "لسان" در قرآن کریم ..... ۸۷۹
- نقد و بررسی اضداد در قرآن کریم ..... ۸۹۱
- نقش قرآن در جهت‌بخشی به پژوهش‌های نقدی عرب ..... ۹۲۱
- نکته‌های قرآنی در شرح معلقات «خطیب تبریزی» ..... ۹۳۵
- واکاوی تصویرهای هنری در قرآن ..... ۹۶۱
- واکاوی معانی حروف زائد در قرآن کریم ..... ۹۷۹
- ویژگی‌های نگارش جوده السحار در روایت داستان‌های قرآن کریم ..... ۹۸۷

## بختی درباره‌ی اعراب «صالحاً» در آیه‌ی شریفه‌ی «و اَعْمَلُوا صَالِحاً» (سبأ، ۱۱)

دکتر علی نوروزی / استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد /

### چکیده:

یکی از مواضعی که بسیار محلّ اختلاف نحویان است، اعراب صفتی است که بعد از فعل منصوب می‌آید. برخی از نحویان آن را جانشین مفعول مطلق می‌شمارند چنان که در کتاب‌های جدید نحوی این اعراب عرب و ترکیب را فراوان می‌بینیم، برخی چون سیبویه و ابن هشام نیابت صفت از مفعول را مطلق می‌دانند و به همین روی در این آیه‌ی شریفه "صالحاً" را بر خلاف رأی رایج نخست، حال برای موصوف محذوف می‌دانند، امر دیگری که در خصوص این آیه شریفه و نظایر آن اهمیت دارد این است که موصوف محذوفی را همچون "عملاً" در نظر بگیریم این موصوف محذوف خود چه نقشی دارد؟ تأمل بر این مسأله علاوه بر آن که به درک عمیق‌تر قرآن کریم کمک خواهد کرد موجب تعمیق فهم ما در نگاه مصویبات متشابه نیز می‌تواند باشد.

نگارنده در این مقاله می‌کوشد که اختلاف آرای نحویان و مفسران پیرامون این ساختار نحوی را بررسی کند و نمونه‌های دیگر آن را در قرآن کریم بجوید و از طریق این واکاوی نشان دهد که به کمک بحث سیاق و قرائن کلامی در هر موضع، کدام اعراب و ساختار نحوی ترجیح دارد.

**کلیدواژه:** مفعول، مفعول به، مفعول مطلق.

### مقدمه‌ای در مفهوم «مفعول به» و تحریر محلّ نزاع

از آن‌جا که «مفعول به» از ارکان اصلی در تعریف متعدّی و از مقومات آن به شمار می‌رود، چه، غرض از تعدیه اصطلاحی، تعدّی فعل به مفعول به است نه مفعول‌های دیگر، فهم دقیق‌تر فعل متعدّی، مذاقه و ژرف‌نگری در مفهوم مفعول به را می‌طلبد. از همین روی، اختلاف در معنا و مفهوم «مفعول به»، موجب اختلاف نظر در لزوم و تعدّی بعضی از فعال گشته است. به عنوان نمونه، در اعراب «صالحاً» در آیه شریفه «و اَعْمَلُوا



صَالِحاً» (سبأ/۱۱) و نظایر آن، در بین نحویان اختلاف نظر وجود دارد، برخی آن را صفت مصدر محذوف و بر این اساس، مفعول مطلق به شمار می آورند و بعضی دیگر چون سیبویه، آن را حال برای مصدری که از عامل (اعملوا) مفهوم و استفاد می گردد دانسته اند. ابن هشام نیز، قول کسانی را که در چنین مواضعی، قائل به مفعول مطلق هستند بر نمی تابد و می گوید «وَلَيْسَ مِمَّا يُنَوَّبُ الْمَصْدَرُ صِفَتُهُ». (ابن هشام - قطر اللندی و بل الصلدي ۲۲۶)؛ ابن مالک - چنان که خواهد آمد - آن را مفعول به می داند.

### فرق بین "مفعول" و "مفعول به"

برای تجزیه و تحلیل دقیق تر این آراء مختلف، ناگزیر از بیان این نکته هستیم که در عرف نحویان، هرگاه لفظ «مفعول»، بدون هیچ قیدی به کار رود مقصود، مفعول به است. مفعول مطلق، اگرچه که، به لحاظ معنا و مفهوم، لفظ «مفعول» - بدون هیچ قیدی - مفهوم و مدلول «مفعول مطلق» در اصطلاح نحویان منطبق است زیرا «مفعول به»، محل فعل فاعل است به عبارت دیگر، چیزی است که فعل بر آن واقع می شود و نحویان برای آن اسم مفعول می سازند و بر آن حمل می کنند، مانند مضروب و مأکول و مشروب که گفته می شود: «زیدُ المضروبُ، الخبزُ المأكولُ و الماءُ المشروبُ» و از این جا، تفاوت «مفعول به» با «مفعول» آشکار می شود زیرا بر خلاف مفعول به، حمل اسم مفعول بر «مفعول» (مفعول مطلق) صحیح نیست و به عنوان مثال وقتی می گوئیم: «شَرَبْتُ الماءَ شُرْباً» یا «أَكَلْتُ الطَّعْمَ أَكْلاً» نمی توانیم بگوئیم: «الأكلُ مأكولٌ» یا «الشربُ مشروبٌ».

به دیگر سخن، تفاوت «مفعول» و «مفعول به» در این است که اولی از ذات فاعل صادر می شود یعنی وقتی می گوئیم: «ضَرَبْتُ زیداً ضَرْباً»، «ضرباً» اثری است که فاعل آن ایجاد کرده است ولی دومی یعنی «زیداً» در مثال از ذات فاعل صادر نشده است بلکه فاعل اثری صادر شده است که بر آن واقع گشته است به همین جهت، ابن هشام در «مغنی»، «السموات» در «خَلَقَ اللهُ السَّمَوَاتِ» و «عَمَلًا» در مثال «عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا» و مثالی مشابه آن را، مفعول مطلق دانسته است و گفته است اطلاق لفظ «مفعول» بدون هیچ قید شرطی همانگونه که بر «ضرباً» در مثال «ضَرَبْتُ ضَرْباً» اطلاق می شود، بر «عَمَلًا» در «السموات» در مثال های یاد شده نیز اطلاق می شود و توضیح دیگری که بر اثبات این منته آورده است این است که مفعول به، باید قبل از فعلی که در آن عمل کرده است موجود باشد تا اثر صادر از فاعل، بر آن واقع شود در صورتی که مفعول مطلق، فعل عامل در آن فعل ایجادش می باشد و گفته است که مسأله ای که باعث شده که نحویان را به اشتباه

این است که ایشان برای مفعول مطلق، اعمال و افعال بندگان را مثال می‌زنند که واسطه آن‌ها ایجاد می‌شود و ایجاد ذوات از آن‌ها بر نمی‌آید در نتیجه گمان کرده که مفعول مطلق، فقط حدث و مصدر می‌باشد و اگر افعال خداوند را برای آن مثال می‌زنند برای ایشان آشکار می‌شد که مفعول مطلق اختصاص به أحداث و مصادر ندارد خداوند هم مُوجِدِ افعال است و هم مُوجِدِ ذوات و به همین گونه است بحث در «ت کتابا» و «عَمِلَ فُلَانٌ خَيْرًا» و «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ». (ابن هشام - معنی اللیب

مسئله‌ی دیگری که می‌تواند تأییدی بر نظر فوق محسوب شود آن است که تسمیه‌ی مفعول مطلق در همه‌ی موارد شایع و مطرَد نیست، زیرا گاهی معنایی که فعل صلاحی، بر آن دلالت می‌کند معنایی است قائم به ذات فاعل بدون اینکه از آن صادر شده مانند «علم»، بلکه حتی گاهی در اصل، نه حدث است و نه فعل حقیقی مانند علم و وقتی می‌گوییم «عَلِمَ اللهُ كَذَا» معنایی که این فعل بر آن دلالت می‌کند (یعنی علم به فعل است و نه مفعول و نه حدث بلکه بنا بر مذهب اهل سنت، معنایی است قائم به مفسس (سیوطی، الأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ فِي التَّحْوِ ۱۱۴/۴ و ۱۱۵).

حاجب نیز در مثال «خَلَقَ اللهُ الْعَالَمَ»، «الْعَالَمَ» را مفعول مطلق محسوب داشته است بر ساس که خلق همان مخلوق است ولی اکثر نحویان، توجّهی بدان نکرده اند و از کلامشان بر می‌آید که «خلق» غیر از «مخلوق» است چنان که جمعی از اصولیین بر غنیه اند، بنابراین «الْعَالَمَ» مفعول به است اگرچه که عالم با فعلِ خَلَقِ، ایجاد شده است (همان ۱۱۵/۴).

در مطالعه‌ی این اختلاف نظرها، باید نکات ذیل را از نظر دور نداریم تا به رأیی در این مجال دست یابیم.

الف - اولین نکته، توجّه به تمایز بین معانی شایع و معانی اصطلاحی مقوله «مفعول به» سبحانه معنای اصطلاحی مفعول مطلق و معنای شایعی و لغوی آن است در اصطلاح اهل علم مفعول مطلق دلالت بر مصدری منصوب که برای تاکید عامل یا تبیین آن می‌آید در مقابل آن، یک معنای لغوی دارد و عبارت از چیزی است که فاعل با فعل خود ایجاد می‌کند این معنای لغوی، معنای اصطلاحی آن را مانند ضرباً در «ضربه ضرباً» می‌گیرد همانگونه که مفعول افعال عام را همچون «عَمِلَ» و «صَنَعَ» و «أَنْشَأَ» و «خَلَقَ» و ... آن‌ها را که دلالت بر انشاء ذوات دارد در خود جمع دارد.

با این توضیح، می‌توان گفت: «العالم» در مثال «خلق الله العالم» و یا صالحاً در «عمر صالحاً» و یا «داراً» در مثال «بَنِيْتُ داراً»، مفعول مطلق به معنای شایع و لغوی آن است، یعنی همان‌گونه که اطلاق لفظ مفعول بدون هیچ قیدی- بر «ضرباً» در «ضَرْبَتُهُ ضَرْباً» صحیح است بر «صالحاً» در مثال «اعملوا صالحاً» قابل اطلاق می‌باشد.

حتی ابن هشام و سیوطی که در مثال‌های مذکور، مفعول افعال عام و نظایر آن در مفعول مطلق شمرده اند در باب مفعول مطلق این بحث را مطرح نکرده اند و حتی سیوطی در همع الهوامع، مفعول به را به گونه‌ای تفسیر کرده است که شامل مفعول افعال عام نمی‌شود وی در شرح این تعریف مفعول به (مَا وَقَعَ عَلَيْهِ فِعْلُ الْفَاعِلِ) - که از صاحب مُفَصِّر و دیگران نقل کرده است - می‌گوید «المراد بالوَقُوعِ التَّعَلُّقُ لِيَدْخُلَ نَحْوُ «أَوْجَدْتُ ضَرْباً» و «أَحْدَثْتُ قِتْلًا» و «مَاضِرَبْتُ زَيْدًا» (سیوطی، همع الهوامع، ۱/۱۶۵).

**ب-** نکته‌ی دوم این که سیبویه، پیشوای نحویان، لفظ «مفعول» را به تنهایی، در تَعَدَّى افعال به کار برده و نگفته است: «مفعول به»؛ وی باب فاعل را چنین مطرح می‌کند: ۱- بابُ الفاعلِ الَّذِي لَمْ يَتَعَدَّ فِعْلُهُ إِلَى مَفْعُولٍ و ۲- بابُ الفاعلِ الَّذِي يَتَعَدَّ فِعْلُهُ إِلَى مَفْعُولٍ و برای اولی «ذَهَبَ» و «جَلَسَ» را مثال می‌زند و برای دومی «ضَرَبَ عَبْدُ اللَّهِ زَيْدًا» (الکتب ۳۲/۱ و ۳۴).

به کاربردن لفظ عام «مفعول» به جای لفظ مقید «مفعول به» در کلام پیشوای نحویان - از آن روی است که هم مفعول‌هایی را که با فعل فاعل حاصل می‌شوند در بر گیرد و هم مفعول‌هایی را که با فعل فاعل حاصل نمی‌گردند بلکه فعل فاعل بر آن‌ها واقع می‌شوند.

**ج-** عبدالقاهر جرجانی نیز در اسرارالبلاغه به مانند سیبویه، متعدی به «مفعول» و متعدی به «مفعول به» هردو را قسیم یکدیگر می‌داند و مقسوم آن دو را، فعل متعدی - شمار می‌آورد، وی می‌گوید: افعال بر دو نوعند: متعدی و غیر متعدی، متعدی خود بر دو نوع است نوعی که متعدی به چیزی است که همان «مفعول به» است مانند «ضَرَبْتُ زَيْدًا» که «زیداً» مفعول به است بدین معنا که تو «ضرب» را بر آن واقع کرده‌ای و خود آن (زید) به وجود نیاورده‌ای و نوع دیگر متعدی به «مفعول» است (نه متعدی به «مفعول به» مانند فعل «فَعَلَ» و افعال عام نظیر آن همچون «صَنَعَ» و «عَمِلَ» و «أَوْجَدَ» و «أَنْشَأَ» مانند - که می‌گویی: «فَعَلَ زَيْدٌ الْقِيَامَ» که قیام در این مثال، «مفعول» است نه «مفعول به» و همچنین در مثالهای: «خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ» و «أَنْشَأَ الْعَالَمَ» و «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ» منصوب در همه - ها مفعول مطلق است بدون هیچ تقيیدی (عبدالقاهر جرجانی - اسرارالبلاغه/ ۳۱۸).

۴- نکته‌ی دیگر، این که ضابطه «مفعول به» بر مفعول افعال عام و نظایر آن صدق  
 ۵- بن ضابطه که جمهور نحویین آن را ذکر کرده اند عبارت است از صَحَّتِ حَمَلِ  
 ۶- معنی که از عامل بنا می‌شود بر مفعول. به عنوان مثال، در «ضَرَبْتُ زَيْدًا» حمل اسم  
 ۷- «ضَرَبْتُ» بر «زیداً» صحیح است یعنی می‌توان گفت: «زیدٌ مَضْرُوبٌ» به همین  
 ۸- مثال‌های «خَلَقَ اللهُ السَّمَوَاتِ» و «اعْمَلُوا صَالِحاً» می‌توان گفت: «السَّمَوَاتُ مَخْلُوقَةٌ»  
 ۹- صحیح معمول و هر منصوبی که این ضابطه بر آن صدق کند «مفعول به» است.

۱۰- این که گفته‌اند شرط مفعول به آن است که قبل از فعل، وجود داشته باشد تا فعل  
 ۱۱- برقع شود، به دو صورت آن را جواب داده‌اند:

۱- پاسخ اول، پاسخ تاج‌الدین تبریزی است، وی می‌گوید ما نمی‌پذیریم که شرط  
 ۲- آن است که قبل از ایجاد فعل، در اعیان وجود داشته باشد بلکه تنها عقلانیت و  
 ۳- مفعول کافی است خواه در خارج از ذهن وجود داشته باشد مانند ضربت زیداً و  
 ۴- وجود عینی نداشته باشد مانند: «بَيْتُ الدَّارِ» و «أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (سوره  
 ۵- ۵۰) زیرا اشیاء به حَسَبِ ذَهْنِيَّتْشان به فعل فاعل متعلقند، خواه در خارج از ذهن  
 ۶- حود باشند و خواه موجود نباشند، خداوند می‌فرماید: «خَلَقْتِكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ  
 ۷- مَرِيماً/۹».

۸- پاسخ دوم، پاسخ شمس‌الدین اصفهانی است، وی می‌گوید: «مفعول به» نسبت  
 ۹- معنی غیر از «ایجاد»، مستلزم آن است که قبلاً موجود باشد و سپس فاعل در آن شیء  
 ۱۰- ایجاد کند زیرا اثبات صفتی غیر از ایجاد، ایجاب می‌کند که اولاً موصوف  
 ۱۱- حود باشد و اما «مفعول به» نسبت به فعل «ایجاد»، مقتضی آن نیست که قبل از فعل،  
 ۱۲- حود باشد و سپس فاعل، «وجود» را در آن ایجاد کند بلکه به عکس، مستلزم آن است  
 ۱۳- برحود نباشد و گر نه تحصیل حاصل خواهد بود. (سیوطی - الاشباه و النظائر ۴/۱۲۲).

۱۴- نکته دیگر، آن که ابن مالک نیز فعل «عَمِلَ» را متعدی دانسته است و از میان  
 ۱۵- متعدی، آن را مثال برای متعدی انتخاب کرده است آنجا که در ضابطه و علامت فعل  
 ۱۶- معنی می‌گوید:

عَلَامَةُ الْفِعْلِ الْمُتَعَدِّي أَنْ تَصِلَ «هَا» غَيْرَ مَصْدَرٍ بِهِ، نَحْوُ: «عَمِلَ»

۱۷- گویی که با آوردن این مثال، خواسته است نظر خود را در مورد مسأله مورد خلاف  
 ۱۸- کند چنان که شأن مصنفان نیز چنین است که در بسیاری از اوقات، از طریق مثال،  
 ۱۹- مقصود می‌کنند.

مسأله‌ی دیگر در مثال «عَمِلْتُ عَمَلًا صَالِحًا» آن است که گاهی از لفظ مصدر، اراده اسم مفعول می‌شود که در این صورت می‌توان گفت مقصود از «عَمَلَ»، معمول است و بی تردید مفعول به می‌باشد.

### نتایج بحث:

۱. علی‌رغم تصوّر رایج که کلمه‌ی "مفعول" را به مفهوم "مفعول به" به کار می‌برند، فرق است بین اصطلاح "مفعول" و "مفعول به".
۲. اصطلاح "مفعول" بدون هیچ قیدی هم مفعول فعل‌های عام را که دلالت بر ایجاد دارند مانند "فعل" و "صنع" و "أحدث" و "أوجد" و "أنشأ" و .... در بر می‌گیرد و هم مفعول مطلق به مفهوم متداول در باب خاص خود را.
۳. مفعول فعل متعدی بر دو نوع است: مفعولی که فعلش، فعل ایجاد آن است و مفعولی که فعلش، آن را ایجاد نمی‌کند بلکه بر آن واقع می‌شود.
۴. درباره‌ی "عَمِلْتُ عَمَلًا صَالِحًا" اگر عملاً به معنای "ما يُعْمَلُ به" باشد، نقش مفعول به است؛ ولی اطلاق مفعول مطلق بر آن به مفهومی که ابن هشام در مغنی در برده: نقش السّموات" در "خلق الله السّموات" به کار برده است. نیز صحیح است. و اگر به معنی مصدری یعنی "عمل کردن" باشد در این صورت مفعول مطلق به مفهوم رایج آن می‌باشد.

### منابع:

- ۱- ابن هشام، قطر الندی و بل الصّدی، تحقیق: محمّد محیی الدّین عبد الحمید، مطبعه السّعاده، مطبعه الحادیه عشره، ۱۹۶۳.
- ۲- مغنی اللیب ۲ ج تحقیق: محمّد محیی الدّین عبد الحمید، مکتبه محمّد علی صبیح، مصر.
- ۳- الجرجانی، عبد القاهر، دلائل الأعجاز فی علم المعانی، تحقیق: الشّیخ محمّد عبده، دار المعرفه بیروت، لبنان، ۱۹۸۲.
- ۴- سیویه، کتاب سیویه، تحقیق: عبد السلام محمّد هارون، دار الجیل، بیروت، الطبعه الاوّلی، م ۱۹۹۱.
- ۵- السیوطی جلال الدّین، الاشباه و النظائر فی النحو ۴ جزء در ۲ مجلد. دارالکتاب العربی - انص - الاوّلی - ۱۴۰۴ هـ - ۱۹۸۴ م.
- ۶- السیوطی جلال الدّین، همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع، ۲ جزء در ۱ مجلد منشورات الرّضی - زاهدی ۱۴۰۵ هـ - ق.



**University of Kurdistan**

**Faculty of Literature and Humanities**

**Department of Arabic Language and Literature**

**National Conference**

**of the Holy Quran and**

**Arabic Language and Literature**

**October 26-27 2011**